

مروری بر مبانی اخلاق پزشکی در کتاب قانون بوعلی سینا

علی احسان حیدری^{۱*}، حسین کشاورز^۲، محمد نوری سپهر^۳

مقاله‌ی مروری

چکیده

از زمان شکل‌گیری علم پزشکی، اخلاق جزئی لاینفک از آن به‌شمار می‌آمده است؛ از این‌رو انتظار می‌رود ابن‌سینا پزشک سرآمد و مؤلف کتاب قانون در طب با اخلاق پزشکی مانوس بوده و در این عرصه، مبانی و اصول اخلاقی را مطرح کرده باشد. به منظور دستیابی به اطلاعات لازم در خصوص مبانی اخلاق پزشکی در کتاب قانون در طب این موضوع، در سه محور عملکرد پزشکی ابن‌سینا، پژوهش‌ها و نگرش فلسفی وی به اسلام و اصول اخلاقی آن مورد بررسی قرار گرفته است. اطلاعات این مقاله از جست‌وجوی جلد‌های مختلف کتاب قانون و کتب و مقالات گوناگون نگاشته‌شده در زمینه‌ی اخلاق در پزشکی و ابن‌سینا به‌دست آمده است. در این کتاب ابن‌سینا اولین شرط لازم برای طبابت را آگاهی و تسلط پزشک بر علم طب و بخش‌های مختلف آن، اعم از تشخیص، درمان، پیش‌آگهی، پیشگیری و توان‌بخشی بیان کرده است تا از این طریق، آسیب و ضرری به بیمار نرسد. از نکات اخلاقی دیگر که در تألیف کتاب قانون مشهود است، استفاده از منابع علمی و اطلاعات موثق مختلف با ذکر منابع است. از سوی دیگر، این طبیب با اعتقاد قلبی به موازین اخلاقی و شرعی اسلام، در قبال حکیم مطلق و بندگان وی از جمله بیماران، احساس تعهد و مسؤلیت می‌کرده است. علیرغم عدم اختصاص بخشی از کتاب قانون به اخلاق پزشکی، متن و محتوای آن، سرشار از توصیه‌های اخلاقی و مطالبی است که انسان را محور اصلی فعالیت‌های پزشکی قرار داده است.

واژگان کلیدی: ابوعلی سینا، اخلاق پزشکی، قانون در طب

^۱ استادیار، گروه پاتوبیولوژی، دانشکده‌ی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی البرز

^۲ استاد، گروه انگل‌شناسی و قارچ‌شناسی، دانشکده‌ی بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران

^۳ دانشیار، گروه بهداشت محیط، دانشکده‌ی بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی البرز

مقدمه

اخلاق طبق تعریف واژه‌نامه‌ی وبستر - مریام و دایره‌المعارف بریتانیکا به مجموعه‌ای از دستورات عملی و قوانین درباره‌ی آنچه صحیح و غلط، بد و خوب است و آنچه که باید و نباید انجام پذیرد، اطلاق می‌شود (۱، ۲). این واژه هم‌چنین برای هر نوع نظام یا نظریه‌ی مربوط به اصول و موازین اخلاقی به‌کار می‌رود. اخلاق که از زمان‌های دیرین به‌مثابه‌ی شاخه‌ای از فلسفه به‌شمار می‌رفت، از زمان شکل‌گیری علم پزشکی، جزئی لاینفک از آن به‌شمار می‌آمده است. در ساده‌ترین وجه آن از پزشک انتظار می‌رفته که در مواجهه با بیمار، بهترین عملکرد را در درمان بیماری و جراحی داشته باشد و بیمار را در کانون توجه قرار دهد تا بیمار به علت بیماری، در حاشیه قرار نگیرد. در این حالت اخلاق پزشکی به‌مثابه‌ی پیمانی برای محور قرار دادن انسان، تمرکز بر روی بیمار و در اولویت دانستن بیمار، نسبت به بیماری است. بنابراین، در ارتباط بین پزشک و بیمار و به نوعی رویارویی وجدان (پزشک) با اعتماد و اطمینان (بیمار) انجام هر گونه رفتار از سوی پزشک مجاز نیست. چنان‌که Lachowsky ذکر کرده چگونگی این رویارویی با میزان آگاهی و نحوه‌ی رفتار پزشک ارتباط تنگاتنگ دارد (۳). از این‌رو، انتظار می‌رود ابن‌سینا پزشک سرآمد و مؤلف کتاب قانون در طب با اخلاق پزشکی مانوس بوده و در این عرصه مبانی و اصول اخلاقی را مطرح کرده باشد. در علم پزشکی اخلاق زمینه و موضوعی است که لزوماً با وضع قوانین عمومی و تعیین شرح وظایف و قواعد اخلاقی تحقق نمی‌یابد، بلکه مجموعه‌ای از رمزا و پیام‌های نانوشته‌ای است که ممکن است در آینده به شکل قانون درآیند؛ بنابراین، انتظار از پزشکان دوره‌های بسیار دور که باید طبق کدها و قوانین و قواعد اخلاقی امروز عمل می‌کرده‌اند، بسی دور از انصاف و قضاوت علمی است. با عنایت به زمان و اقتضائات آن، از جمله دوره‌ای که به موضوع اخلاق پزشکی به‌شکل امروزی

نگاه نمی‌شده و شاید تجارب تلخ اخلاقی از جمله پژوهش غیراخلاقی نازی‌ها بر روی زندانیان و تعیین کدهای اخلاقی و تأسیس رشته‌ی اخلاق پزشکی در دانشگاه‌های معتبر جهان، اتفاق نیفتاده بود باید به بررسی اصول و موازین اخلاقی در آثار بزرگان و پیشروان علم پزشکی اسلامی و ایرانی از جمله ابن‌سینا پرداخت. مطالعات متعددی در باب اخلاق پزشکی در آثار بقراط، جالینوس و رازی انجام شده است، اما از این نظر کم‌تر به اثر پزشکی ابن‌سینا پرداخته شده است.

ابن‌سینا آثار زیادی را تألیف کرده که از معروف‌ترین و جامع‌ترین آن‌ها کتاب قانون در طب است که در پنج جلد تألیف شده و در هر مجلد آن فن‌ها و فصول متعددی، آرایش یافته‌اند. وی با بهره‌گیری از هوش سرشار و تجارب طبابت خود و آشنایی با طب گیاهی مصر و چین و با استفاده از میراث طب یونان، اسکندریه و انطاکیه به‌ویژه طب بقراط و جالینوس، به پژوهش‌های متعدد و تألیف کتاب قانون در طب به زبان علمی آن روزگار (عربی) پرداخت که ترجمه‌ی آن به زبان لاتین و سایر زبان‌های زنده‌ی دنیا تا قرن هجدهم در دانشگاه‌های معتبر جهان، از جمله مونپلیه و لوون تدریس می‌شده است (۴-۶). در این کتاب دایره‌المعارف‌گونه به مطالب مختلفی در باب اخلاق پزشکی اشاره شده است اما چون باب یا فصلی به این موضوع اختصاص داده نشده است برخی اثر ابن‌سینا را از نظر توجه به اخلاق پزشکی تهی یا ناچیز می‌دانند، لذا در این پژوهش، با ذکر شواهد و مستندات گوناگون مبانی اخلاق پزشکی در کتاب قانون در طب که قاعدتاً با اصول اخلاق پزشکی نوین تفاوت‌هایی دارد مورد بررسی قرار می‌گیرد.

روش کار

اطلاعات این مقاله از بررسی جلد‌های مختلف کتاب قانون در طب و کتاب‌ها و مقالات گوناگون نگاشته شده در زمینه‌ی اخلاق در پزشکی و تاریخ پزشکی ایران و اسلام، به‌دست آمده است. پایگاه‌ها و بانک‌های اطلاعاتی متعدد از

جمله ، Ovid ، Springer ، Elsevier ، Magiran و موتورهای جست‌وجوی Google Scholar ، Pubmed و کتاب‌های مورخان و پزشکان ایرانی برای دستیابی به مقالات مرتبط با اخلاق و ابن‌سینا و آثار وی مورد استفاده قرار گرفتند.

بحث

برای قضاوت در خصوص میزان پایبندی ابن‌سینا به اصول اخلاقی و رعایت موازین اخلاقی و طرح آن‌ها در کتاب قانون در طب به سه محور عملکرد پزشکی ابن‌سینا، پژوهش‌های پزشکی وی و نگرش فلسفی و اعتقاد او به اسلام و اصول اخلاقی آن پرداخته شده است.

(۱) **عملکرد پزشکی ابن‌سینا:** در این بخش آگاهی و تسلط پزشک به علم طب، احترام به حقوق بیماران، اتخاذ بهترین تصمیم پزشکی برای بیمار، نگاه جامع به علم پزشکی و بهره‌برداری از منابع و تجارب سایر پزشکان مورد بررسی قرار گرفته است.

براساس مرور منابع علمی ایران باستان و دوره‌ای که ابن‌سینا در آن می‌زیسته، اولین شرط لازم برای طبابت دانستن علم پزشکی و تسلط علمی بر بخش‌های مختلف آن اعم از تشخیص، بررسی، درمان، پیش‌آگهی، پیشگیری و توان‌بخشی بوده است. ابن‌سینا نیز در کتاب قانون به این امر، با نگاهی ژرف نگرسته و در جلد‌های مختلف و بخش‌های گوناگون کتاب قانون به این موضوع به‌عنوان اصل مسلم علم پزشکی پرداخته است. شاید بتوان گفت اولین اصل اخلاق پزشکی که از شقوق مختلفی برخوردار است، همین نکته باشد چرا که پزشک ناآشنا و غیرمسلط به علم طب به فرض رعایت سایر نکات و اصول اخلاقی از جمله اخذ رضایت آگاهانه از بیمار برای انجام عمل جراحی خاص، در اجرا به علت رساندن آسیب و افزودن درد دیگری بر آلام بیمار، کاری بس غیراخلاقی انجام داده است، یا می‌توان این نکته را به شکل یک سؤال نیز مطرح کرد: آیا پزشکی که علم طب را به‌خوبی نیاموخته و نیازموده به شرط اخذ رضایت‌نامه از بیمار، کار

اخلاقی انجام داده است؟

از نظر ابن‌سینا اولین شرط طبابت، اشراف علمی و آگاهی از وضعیت بیمار و شناخت بیماری است؛ زیرا در غیر این‌صورت با مسامحه و دریافت اطلاعات ناقص، بیماری اصلی مکتوم باقی می‌ماند و با درمان نامناسب وضعیت بیمار رو به وخامت می‌گذارد و به نوعی به بیمار ضرر می‌رسد؛ برای مثال، وی در جلد اول، فصل بیست و ششم کتاب قانون درباره‌ی شکافتن بر این اعتقاد است که «کسی که اندام را شکاف می‌دهد، باید در تشریح اعصاب و ریه‌ها و شریان‌ها، معلومات کافی داشته باشد تا خطا نکند و بخشی را نبرد که بیمار را با مرگ روبه‌رو سازد» (۷). Lawson نیز در مقاله‌ی خود آگاهی و تسلط علمی را یکی از مبانی اخلاق پزشکی طب سنتی به‌شمار می‌آورد (۸).

ابن‌سینا دامنه‌ی علم طب را بسیار گسترده می‌داند و گوشزد می‌نماید که «پزشک باید درباره‌ی عناصر، مزاج‌ها، اخلاط، اندام‌های ساده و مرکب، روح و روان، قوای طبیعی، حیوانی و نفسانی، کنش‌ها، حالات تندرستی و بیماری، عوامل محیطی، مواد خوراکی و آشامیدنی و درمان، اطلاعات کامل و تسلط علمی و عملی داشته باشد و با توجه به اقتضای حرفه‌اش، به‌منظور حفظ بهبودی و معالجه‌ی رضایت‌بخش بیماری، باید برخی از این امور را به تنهایی، به تصور علمی خود، درک کند و به مشاهده‌ی خود چنین اعتقاد پیدا کند که نتیجه‌گیری وی از طرف یکی از علمای طبیعی، پذیرفته شده است و درباره‌ی برخی دیگر از این امور باید به‌وسیله‌ی حرفه‌ی خود، دلیلی بر وجود آن حالت داشته باشد» (۷).

ابن‌سینا تصمیم‌گیری طبیب را بر پایه‌ی اطلاعات و مستندات کافی و بهره‌گیری از تجارب و منابع دیگران می‌داند و کاملاً به این موضوع اصرار می‌ورزد که اتخاذ روش درمانی صحیح در کل باید از آلام بیمار بکاهد و مزایای انتخاب آن بر خطرهای آن، فائق آید و درمان‌های کم‌خطرتر ترجیح داده شود. وی به طبیبان توصیه کرده که فقط در موارد ناگزیر، از روش‌های ملال‌آور استفاده کنند. در همین ارتباط در کتاب

بارداری را وظیفه‌ی اخلاقی پزشک می‌داند و او را مجاز می‌داند که به این امر اقدام نماید. در باب وظیفه‌ی پزشک بر بالین بیمار از ابن‌سینا نقل کرده‌اند که وی عقیده‌ی مخصوصی داشته و معتقد بوده که حالت و روحیه‌ی طبیب در درمان بیماری مریض بسیار مؤثر است؛ به این معنی که اگر طبیب بشاش و خندان باشد، در درمان بیمار تأثیر زیادی خواهد گذاشت (۹، ۴).

شیخ‌الرئیس در مجلد اول قانون، سلامت و بیماری را دو حالت تن آدمی برمی‌شمارد و بر کسانی که حالت سومی (نه تندرستی و نه بیماری) قائل‌اند، اشکال وارد می‌کند، اما در ادامه چنین می‌آورد: «بحث و مجادله در این زمینه شایسته نیست چه طبیب هرگز در این امر، به جدال نمی‌پردازد و این جدال برای علم طب، فایده‌ای ندارد و بحث و جدل برانزده‌ی حرفه‌ی غیرطبابت چون اصول علم منطقی است» (۷). بدین ترتیب ابن‌سینا با تأکید بر درمان بیمار به این امر اصرار می‌ورزد که پزشک باید به وظیفه‌ی انسانی و اخلاقی خود عمل کند و هر چیزی که می‌تواند در راه خدمت‌رسانی، نقش بازدارندگی داشته باشد، باید از نظر دور نگه داشته شود. ابن‌سینا در این سخنان، پزشکان را از پرداختن به موضوعات فرعی برحذر می‌دارد و توجه به امور اصلی را که همان درمان بیمار است، مطرح می‌کند؛ وی به جسم و روح اعتقاد داشت و بر این باور بود که روح و روان بر جسم تأثیر می‌گذارد؛ بنابراین، منشأ برخی بیماری‌ها را علت روحی و روانی می‌دانسته است، همان موضوعی که در طب امروزی به چشم می‌خورد.

او افراد دارای اختلالات روانی را بیمار می‌دانسته و با توصیه به آن‌ها برای توکل به خدا و امید به شفا از جانب او به معالجه‌ی این گروه از بیماران می‌پرداخته است. در کتاب قانون در طب سه فصل به اختلالات روان‌پزشکی اختصاص یافته است. وی جنون (دیوانگی) را نوعی اختلال ذهنی می‌داند که به علت جایگزینی وهم و خیال به جای واقعیت، رخ می‌دهد و قسمت میانی مغز را مرکز این اختلال معرفی

قانون جلد سوم، فن سوم در مورد درمان سنگ مثانه که باعث قطع ادرار شده، چنین آورده است: «اگر داروها مفید واقع نشدند و ناگزیر از دریدن و بریدن بود، باید کسی این کار را انجام دهد که به‌خوبی حالت و چگونگی مثانه را بشناسد این عمل در بدن، باعث رنج فراوان بیمار می‌شود، اما چاره چیست»، با تمام نکاتی که برای انجام شقه کردن ذکر کرده می‌نویسد: «با این همه من این عمل شق کردن را خطری بزرگ می‌دانم و هرگز آن را تجویز نمی‌کنم» (۷).

او در جلد اول قانون درخصوص درمان بموقع و عدم اهمال و سهل‌انگاری چنین آورده است: «در بیماری‌هایی که خطرناک است، تأخیر در مداوا یا تخفیف آن، روا داشتن عامل نابودی نیرو خواهد بود. در چنین وضعی نباید دست روی دست گذاشت، بلکه باید از همان اول به معالجات قوی پرداخت. در بیماری‌هایی که در آن‌ها بیم خطر نمی‌رود، می‌توان به تدریج از داروهای سبک به داروی قوی رسید. اگر داروی سبک، بهره‌ای نداشت، نباید از راه راست خارج شوی، زیرا تأثیر دارو را به خطر می‌اندازد و مبادا راه نادرستی بروی که زینش جبران‌پذیر نیست» (۷).

به منظور ایجاد اخلاق نیکو در کودکان ابن‌سینا در جلد اول فصل چهارم چنین می‌آورد: «باید بسیار مراقب بود که در اوان انتقال کودک به خردسالی، اخلاق و رفتار وی پسندیده و معتدل گردد. برای این منظور، نباید کاری کرد که کودک به خشم زیاد، ترس زیاد، اندوه و شب‌بیداری زیاد دچار شود، تا کودک از همان زمان طفولیت به اخلاق و رفتار نیکو خوی بگیرد» (۷). این موارد امروزه در طب کودکان از اصول انکارناپذیر اخلاقی به‌شمار می‌رود که افراد خانواده و پزشک در مواجهه با کودک، ملزم به رعایت آن‌ها هستند. ابن‌سینا در خصوص منع بارداری در فصل هفتم، مجلد سوم چنین آورده است: «در بعضی حالات، پزشک خود را ناگزیر می‌بیند که نگذارد زن باردار شود و دستور منع بارداری می‌دهد؛ مثلاً در مورد دختری کم سن‌وسال که ازدواج کرده، اگر باردار شود ممکن است سر زامیرد» (۷). در اینجا ابن‌سینا پیشگیری از

می‌کند (۱۱، ۱۰، ۷).

یاد کرده، هرچند ممکن است در برخی موارد با آراء آنها نیز موافق نباشد و آنها را نقد کرده باشد؛ برای مثال، در فصل تب عفونی خونی می‌نویسد: «جالینوس بر این عقیده است که تب خونی هرگز از عفونت خون پدید نمی‌آید، اما اگر خون متعفن شد، به ماده‌ی صفراوی تبدیل می‌شود و در این حالت، باید حالت تب را صفراوی دانست نه تب خونی. به عقیده‌ی جالینوس در اثر تب صفراوی کذایی که خون در اثر عفونت به صفرا تبدیل شده است، تب سوزان یا تب نوبه رخ می‌دهد که این اظهار نظر جالینوس بر خلاف نظریه‌ی بقراط و برخلاف حق و حساب اطباء است» (۷).

ابن سینا بهره‌گیری از منابع علمی و ذکر نام نویسندگان را در دوره‌ای به کار بسته که فرد محور علم بوده و به نوعی بحرالعلوم دوران خود تلقی می‌شده و عدم اشاره به منابع و اطباء و پژوهشگران دیگر شایع‌تر به نظر می‌رسیده، اما وی با وجود تسلط بر علوم و فنون مختلف فلسفه، حکمت، ریاضیات، نجوم، منطق، الهیات و پزشکی، خود را از مطالعه و بررسی آثار پیشینیان و طبیبان پیش از خود و هم معاصرانش بی‌نیاز نمی‌دانسته است (۱۲). حتی ابن سینا در هنگام بحث علمی در توضیح روش‌های معالجه‌ی بیماری‌ها به نظر طبیبان دیگر و عوارض و مزایای روش‌های آنها نیز اشاره می‌نماید.

۲) **تحقیقات پزشکی:** نکته‌ی اخلاقی بارز دیگر در کتاب قانون، لزوم انجام پژوهش‌های متعدد و توجه به نتایج آنها در اتخاذ روش صحیح برای درمان بیمار است. در مبحث معرفی گیاهان دارویی در مجلد دوم قانون، ابن سینا بر پژوهش‌های گوناگون اصرار ورزیده و اصول هفت‌گانه‌ای را برای به‌کارگیری گیاهان دارویی معرفی کرده است.

شیخ‌الرئیس دو راه برای شناخت اثربخشی دارو معرفی می‌کند: راه اول مقایسه و روش دوم آزمایش. درباره‌ی انجام آزمایش‌های مختلف که امروزه بخش مهمی از تحقیقات بالینی را تشکیل می‌دهند، به‌کارگیری شرایطی را ضروری می‌داند. همین نگرش علمی ابن سینا به کارآزمایی داروها و

به این ترتیب، ابن سینا با برشمردن اختلالات روانی و شرح آن، برای این گروه از مبتلایان، ارزش انسانی قائل می‌شود و آنها را بیمار تلقی می‌نماید که باید مورد توجه و عنایت ویژه‌ی درمانی قرار گیرند.

نکته‌ی اخلاقی دیگر که در سراسر کتاب قانون مشهود است، استفاده از منابع علمی و اطلاعات موثق مختلف با ذکر منابع یا نام صاحب اثر است. ابن سینا از پزشکی یونان، طب دارویی چین، هند، مصر و ایران باستان به طرز مناسبی بهره برده و در هر جایی که لازم بوده به آنها اشاره کرده و حتی آنها را مورد نقد قرار داده است؛ بدین ترتیب، وی تلاش کرده گنجینه‌ی علمی مناسبی را برای بهره‌برداری طبیبان فراهم نماید و همین ویژگی برجسته‌ی کتاب قانون باعث شد تا سال‌ها و قرن‌ها در جایگاه مرجع درسی، برای آموزش طبیبان در دانشگاه‌های مختلف جهان به کار آید.

یکی از اصول اخلاقی که امروزه تبدیل به قانون شده و به شکل حفظ حقوق مؤلفان و مصنفان خودنمایی می‌کند، ذکر نام نویسنده یا منبع مورد استفاده در هنگام تألیف کتاب‌ها و مقالات علمی است. از دغدغه‌های مهم نویسندگان و تولیدکنندگان علم، استفاده از مطالب آنها بدون ذکر نام است که اکنون از چالش‌های مهم اخلاقی به‌شمار می‌رود و مقالات متعددی در این باب نگاشته شده و نرم‌افزارهای گوناگون برای یافتن موارد عدم رعایت این نکته‌ی اخلاقی طراحی و شکل گرفته است. استفاده از نظریات و مطالب سایر نویسندگان بدون ذکر نام از موارد بارز سرقت علمی^۱ و نوعی انگاره‌ی ضد اخلاقی به‌شمار می‌آید که ابن سینا در قرن چهارم هجری، علاوه بر اعتقاد به استناد به منابع معتبر، نکات اخلاقی در بهره‌برداری از آنها را به‌خاطر داشته و به شیوه‌ی ماهرانه‌ای آن را رعایت کرده است.

در صفحات مختلف قانون هر جا که از علم و طب یونانی نامی به میان آمده وی از پدیدآورندگان آن دانش نیز به احترام

^۱ Plagiarism

اعمال آن‌ها وارد کرده است؛ از جمله در مجلد پنجم کتاب قانون در مبحث ترکیب داروها و اثر آن‌ها چنین می‌نویسد: «داروی ترکیبی تریاق فاروق از داروهای بسیار مهم و ارزشمند است. بهترین و صحیح‌ترین نسخه‌ی تریاق فاروق همان است که اندروماخس حکیم آن را برای ما به یادگار گذاشته است. بسیاری از اطباء و حتی جالینوس بارها خواسته‌اند که از تریاق فاروق چیزی کم کنند یا چیزی بر آن بیفزایند، که منظورشان از این دستکاری از روی ناچاری نبوده است. می‌دانی برای چه این دستکاری را کرده‌اند؟ تنها برای این‌که نام آن‌ها را در تاریخ ثبت کنند و بگویند در تریاق فاروق‌سازی دست داشته‌اند و لاغیر. خواسته‌اند نامشان چون نام آوازه‌ی اندروماخس که تریاق فاروق را ابتکار کرده است باشد. به عقیده‌ی من بهتر آن است که در چیزی که آزموده شده و بهره‌رسانی آن به اثبات رسیده است ابداً دست نزنند و بر آن چیزی نیفزایند و چیزی را کاهش ندهند» (۷). در این بیان ابن‌سینا بر احترام به اکتشاف و ابتکار آزموده‌شده‌ی دیگران تأکید و از دستکاری‌ها و اعمال نظرهای غیرضروری که بعضاً با انگیزه‌های غیراخلاقی طبیبان و محققان صورت می‌پذیرد، انتقاد شده است.

۳) **نگرش فلسفی:** در همه‌ی فرهنگ‌ها و در همه‌ی زمان‌ها اخلاق در بطن پزشکی وجود داشته و از این طریق اصولی برای راهنمایی پزشکان به منظور ارتباط با بیمار، همکاران و جامعه فراهم شده است (۱۶). علیرغم تغییرات قابل ملاحظه در اخلاق پزشکی از یک کشور به کشور دیگر، از مذهبی به مذهب دیگر و از فرهنگی به فرهنگ دیگر، اصول اخلاقی مشابه و در برخی موارد مشترک، در بین ملل مختلف، خودنمایی می‌کند. در بررسی آثار ابن‌سینا به‌ویژه کتاب شفا، المبدأ و المعاد و دانشنامه‌ی علایی این موضوع کاملاً مشهود است که وی به بقا و زیستن نفس پس از مرگ و آخرت اعتقاد راسخ دارد و هستی را خیر و کمال محض می‌داند که واجب‌الوجود به آن آگاهی دارد و هیچ چیز از نگاه و آگاهی او پنهان نیست (۱۹-۱۷). از این‌رو، در قبال حکیم

انجام برخی تجارب سبب شده که نظامی عروضی بگوید اگر جالینوس زنده بود در برابر عظمت علمی ابن‌سینا تعظیم می‌کرد (۱۳). سریل الگود، مورخ مشهور، بخش اعظم شهرت ابن‌سینا را مرهون کتاب قانون در طب می‌داند. وی می‌گوید احتیاط ایجاب می‌کند با آن دسته از نویسندگان که معتقدند این اثر بزرگ، حاصل آزمایش‌های دقیق و اندیشه و تأمل بسیار بوده همراهی کنیم» (۱۴). بدین ترتیب، وی به اعتقاد بسیاری از محققان توانست در رشد و تکامل علم پزشکی در جهان نقش مهمی ایفا نماید (۱۵).

در مورد اظهار نظر درباره‌ی عقاید طبی پیشینیان و نحوه‌ی اجرای پژوهش‌ها و نتیجه‌گیری از پاسخ‌های حاصل و عمل به آن‌ها ابن‌سینا در مجلد چهارم قانون نکاتی علمی و اخلاقی را در مبحث تب‌های نوبه به پزشکان چنین یادآوری می‌نماید: «طیب فرزانه اقلماً بایستی نسبت به جالینوس و بقراط خوش‌بین باشد و عقاید آن‌ها را بپذیرد که در این‌باره شرح و بسط مفصل داده‌اند. بایستی بیش‌تر فکر کند و آن‌گاه بر ضد عقاید پیشینیان قد علم کند. اگر در این قد علم کردن در مقابل پیشینیان و بر ضد آن‌ها ایستادن، حق داشت سخنش را می‌پذیرفتیم، اما متأسفانه کم‌تر فکر کرده و به سرعت عقیده‌ی نامربوط خود را ابراز داشته است. به گمان من صاحب این رأی سخیف و نامربوط، آزمایش‌هایی کرده و نتیجه‌هایی به دست آورده و عقیده‌ی خود را بر نتیجه‌ی این آزمایش‌ها پی‌ریزی کرده است. ممکن است گاهی از یکی از این آزمایش‌ها چیزی به دست آورده باشد، در حالی‌که از همه‌ی آزمایش‌های دیگرش هیچ چیزی را به دست نیاورده است. این هیچ پیدا نکردن صحیح است» (۷). هم‌چنان‌که مشهود است وی نتیجه‌گیری درست از پژوهش‌ها را مورد تأکید قرار می‌دهد و پژوهشگران را از دستکاری اطلاعات و نتیجه‌گیری ناقص که امروزه از موارد تقلب و عدم رعایت اخلاق در پژوهش به حساب می‌آید، برحذر می‌دارد.

بوعلی‌سینا در عین حال که قدر و منزلت پیشینیان علم پزشکی را به درستی ادا نموده است، انتقاداتی نیز به برخی از

مطلق و بندگان آن از جمله بیماران احساس تعهد و مسؤولیت می‌کرده است. در دین مبین اسلام و قرآن کریم که خود ترسیم‌کننده‌ی نوعی روش زندگی است، اصول اخلاقی فراوانی ذکر شده که ابن‌سینا با توجه به این‌که از دانشمندان طراز اول طب و فلسفه اسلامی به‌شمار می‌آید، به آن التزام داشته و در انجام وظایف طبابت، آن‌ها را به کار می‌بسته است (۲۰). وی به ارتباط بین قوای روحانی و جسمانی معتقد بود و روح را پدیده‌ی غیرمادی می‌دانست که هم‌زمان با جسم تبلور می‌یابد اما پس از مرگ از جسم جدا می‌شود و به حیات خود در جهان ابدی ادامه می‌دهد و اگر اعمال فرد در جهان فانی مناسب و عالی بوده باشد، روح آن در بهشت جایگاه جاودانی خواهد داشت (۲۲، ۲۱، ۱۷). با این اوصاف، در بررسی دیدگاه ابن‌سینا نسبت به اخلاق پزشکی علاوه بر اصول ذکرشده در قانون باید به اصول اخلاقی اسلام نیز توجه ویژه داشت. از این رو، ابن‌سینا که خود از پیشگامان فلسفه‌ی اسلامی بود که اخلاق نیز جزئی از آن تلقی می‌شده است می‌بایست در طب و طبابت، به اصول اخلاقی اسلام و شریعت پایبند بوده باشد؛ از سوی دیگر، پزشکی از حرف مقدس و مورد احترام بوده که افرادی عهده‌دار آن می‌شده‌اند که به فلسفه (از سوی دیگر علم اخلاق)، حکمت و علوم دینی و ادبی تسلط داشته و شرایط و استحقاق حرفه‌ی طبابت را که به‌نوعی فضیلت محسوب می‌شده احراز نموده باشند (۲۳-۲۵). ابن‌سینا نیز در زمینه‌های مختلف فلسفه‌ی اسلامی، اخلاق، حکمت و ریاضی فردی متبحر بوده است. او مباحث مختلفی را در باب انسانیت، جامعه، دانش و اخلاق مطرح کرده است (۲۱). از نظر وی مطابق با فقه اسلامی، پزشک در برابر اعمالی که انجام می‌دهد مسؤولیت شرعی و اخلاقی دارد و مختار نیست هر طوری که بخواهد با بیمار رفتار کند (۲۶). می‌توان چنین برداشت کرد که با عنایت به اعتقادات عمیق وی به موازین و مبانی اخلاقی اسلام و قرآن و مقدس دانستن حرفه‌ی پزشکی، رعایت موازین اخلاقی را در رویارویی با بیمار از شروط لازم برای طبابت بر می‌شمرده است. در این

خصوص، Kasymov اعتقاد دارد ابن‌سینا یکی از اولین افرادی است که تلاش موفقیت‌آمیزی برای گسترش بنیان‌های اخلاقی و معنوی پزشکی یا واژه‌ی مدرن اخلاق در پزشکی انجام داده است و کتاب قانون در طب از آثاری است که نمونه‌های فراوانی از موضوعات انسان‌دوستانه در آن به چشم می‌خورد (۲۷). در این قسمت به همین شرح بسنده می‌شود، چرا که پرداختن به مباحث اخلاق در اسلام و قرآن موضوع پژوهش‌های دیگری است که در این مقاله نمی‌گنجد.

نتیجه‌گیری

ابن سینا در کتاب قانون که به حق نوعی دایره‌المعارف پزشکی است، هر جایی که امکان داشته با اجرای روشی درمانی، انسان مورد آزار و رنجش قرار گیرد، به‌صراحت به موضوع اشاره نموده و نظر خود را درباره‌ی آن اعلام کرده است. از مباحث گوناگون در قانون در طب می‌توان چنین برداشت کرد که ابن سینا در برخورد با بیماران اصل را بر دانایی، آگاهی و تبحر پزشک بر شناخت و درمان بیماری، حفظ کرامت انسان به‌مثابه‌ی مخلوق خداوند و به کارگیری روشی شناخته‌شده و آزموده که کم‌ترین آسیب را به بیمار برساند، قرار داده است. علیرغم این‌که ابن سینا در کتاب قانون در طب بخشی را مستقیماً به کدها و پیام‌های اخلاقی اختصاص نداده است، اما اعتقاد وی به اسلام و باور این موضوع که پزشکی فضیلت است و پزشک باید مهارت و اطلاعات کافی در طبابت داشته باشد، به انحای مختلف به رعایت موازین اخلاقی اشاره کرده است. بدین‌سان متن و محتوای شاهکار نابغه‌ی شرق در پزشکی، سرشار از توصیه‌های اخلاقی و مطالبی است که انسان را محور اصلی فعالیت‌های پزشکی قرار می‌دهد و نکات اخلاقی فراوانی به پزشکان در باب رفتار با بیماران توصیه می‌کند.

با عنایت به حرکت سریع و جهت‌دار دانشمندان، استادان و دانشجویان کشور برای دستیابی به قله‌های رفیع علم و دانش نوین و لزوم توجه ویژه به اصول اخلاق پزشکی، جا دارد مبانی و اصول اخلاقی ذکرشده در آثار پزشکان سده‌های

منابع

- 1- Ethics. Merriam Webster online. Dictionary Merriam Webster Inc. 2012.
- 2- Ethics. Encyclopedia Britannica online. Encyclopedia Britannica Inc. 2012. <http://www.britannica.com/EBchecked/topic/19402/3/ethics> (accessed in 2012)
- 3- Lachowsky M. Medical ethics. The patient-doctor relationship. Eur J Obstet Gynecol Reprod Biol 1999; 85: 81-83.
- ۴- نجم‌آبادی م. تاریخ طب در ایران پس از اسلام. تهران: انتشارات دانشگاه تهران؛ ۱۳۵۳.
- 5- Azizi MH. The Otorhinolaryngologic concepts as viewed by Rhazes and Avicenna. Arch Iran Med 2007; 10(4): 552-5.
- 6- Cruse JM. History of Medicine: the metamorphosis of scientific medicine in the ever-present past. Am J Med Sci 1999; 318(3): 171-80.
- ۷- ابوعلی سینا. قانون در طب. ترجمه‌ی شرفکندی ع ر. تهران: انتشارات سروش؛ ۱۳۷۰، جلد یک تا جلد پنجم.
- 8- Lawson AD. What is medical ethics? Trends Anaesth Crit Care 2011; 1 (1): 3-6.
- ۹- زرگر م، خدابنده م، خاجی ع، کاربخش م. ابن سینا پزشک نابغه ایرانی. مجله طب و تزکیه ۱۳۸۶؛ سال شانزدهم: ۲۰-۲۷.
- 10- Youssef HA, Youssef FA. Evidence for the existence of schizophrenia in medieval Islamic society. Hist Psychiatr 1996; 7(25): 55-62.
- 11- Tabei SZ, Riazi A. Medical Sciences in the third millennium: an Avicennian approach. Int J Iran Red Crescent 2009; 11(1): 4-9.
- 12- Azizi MH. Ibn-Sina (980-1037A.D); the greatest oriental physician. Med J Iran Hosp 2000; 3 (1): 70-1.
- ۱۳- نظامی عروضی سمرقندی ا. چهار مقاله، چاپ دوازدهم. به اهتمام معین م. تهران: صدای معاصر؛ ۱۳۸۲.
- ۱۴- الگود س. تاریخ پزشکی ایران در سرزمین‌های خلافت شرقی. ترجمه‌ی فرقانی ب. تهران: انتشارات امیرکبیر؛ ۱۳۷۱.
- ۱۵- جوادی م، عباسی م، ضیایی ح. اخلاق پزشکی و انتظار بیمار از پزشک. تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی حقوقی سینا؛ ۱۳۸۶، جلد اول.
- 16- Williams JR. Medical ethics in contemporary

گذشته را به‌طور دقیق‌تر جست‌وجو و بررسی و از این طریق، پلی بین اخلاق پزشکی سنتی و نوین برقرارشود تا با تکیه بر ریشه‌های محکم و استوار طب ایرانی و اسلامی، بتوان شاخه‌ها و جوانه‌های بیش‌تری را در عرصه‌ی علم و دانش گستراند و در موارد پیشرو و چالش‌برانگیز از آن‌ها به‌مثابه‌ی مبانی راهگشا بهره‌جست.

۲۳- لاریجانی ب، زاهدی ف، امامی رضوی س ح. تاریخچه اخلاق پزشکی در ایران. مجله دیابت و لیپید ایران ۱۳۸۵؛ دوره ۶ (شماره ۲): ۱۲۴-۱۱۳.

۲۴- حاتمی، ح، حاتمی م، رضازاده آذری م. سیری در مبانی اخلاق در پژوهش و اخلاق پزشکی در سیره نیاکان. مجله طب و تزکیه ۱۳۸۷؛ شماره ۶۹-۶۸: ۹۵-۸۲.

۲۵- تابعی س ض، پاسالار م، کیانی م. اخلاق پزشکی در خلاصه الحکمه. مجله اخلاق و تاریخ پزشکی ۱۳۹۰؛ دوره ۴ (شماره ۴): ۳۰-۲۲.

26- Gordon D, Christensen L, Dayrit M, Dela F, Karle H, Mercer H. Educating health professionals: the Avicenna project. *Lancet* 2008; 371 (9617): 966-7.

27- Kasymov AL. Bioethics and elderly people in Avicenna's papers. *Lik Sprava* 2006; (5-6): 109-11.

clinical practice. *J Chin Med Assoc* 2005; 68(11): 495-9.

۱۷- ابوعلی سینا. الهیات از کتاب شفاء. ترجمه‌ی دادجو ا. تهران: انتشارات امیر کبیر؛ ۱۳۸۸.

۱۸- ابوعلی سینا. المبدأ و المعاد. به کوشش نورانی ع. تهران: مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل؛ ۱۳۶۳.

۱۹- ابوعلی سینا. دانشنامه علایی. به کوشش معین م. همدان: دانشگاه بوعلی سینا و تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی؛ ۱۳۸۳.

۲۰- اترک ح، اترک ش، ملبخشی م. تأثیر طب سنتی بر اخلاق اسلامی. مجله اخلاق و تاریخ پزشکی ۱۳۸۹؛ دوره ۳ (شماره ۳): ۳۴-۲۴.

21- Naqib AR. Avicenna. *Int Bureau Educ* 1993; 23(1/2): 53-69.

22- Afffi RY. Biomedical research ethics: an Islamic view-part 1. *Int J Surg* 2007; 5(5): 292-6.

Review of medical ethics in Avicenna's book; Canon of Medicine

Ali Ehsan Heidari¹, Hossein Keshavarz², Mohammad Nouri Sepehr³

¹Assistant Professor, Department of Pathobiology, Faculty of Medicine, Alborz University of Medical Sciences, Karaj, Iran;

²Professor, Parasitology Department, School of Health, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran;

³Associate Professor, Environmental Health Engineering Department, School of Public Health, Alborz University of Medical Sciences, Karaj, Iran.

Abstract

Avicenna wrote many great books and articles such as Canon of Medicine which is his most important medical work. This study has been conducted in order to provide the necessary information on Avicenna's adherence to ethical principles and ethical norms in *Canon*. Three aspects including his medical practice, researches and philosophical attitude have been studied. Avicenna offers some valuable guidelines on the ethics in medicine in *Canon*. The first necessary condition for the practice of medicine is to comprehend medicine. Congruently, Avicenna emphasizes in his book that the doctor must be masterful. The use of scientific resources and valid information with citation to the references is one of the ethical subjects that are highlighted in this book. Avicenna has put much emphasis on ethical principles as a religious issue in medical practice. He believed in Islam and Islamic ethics and felt responsible toward God and his creations including humans.

Although in *Canon* there is no chapter specifically devoted to medical ethics, there are numerous ethical references that focus on humans as the main target of medical activities. It offers recommendations regarding ethical issues such as how to treat patients and minimize hazards. In brief, the book of *Canon* represents many humanistic ideas.

Keywords: Avicenna, medical ethics, Canon of Medicine

¹ Email: aliehsan2001@yahoo.com